

#### مظهر همه خوبی‌ها



فخری ملک پور  
نوازنده پیانووی ایرانی

بهرترین یادگار استادشان زنده یاد جواد معروفی هستند.

بیشتر از هرکسی در این مملکت، شاگرد درس داده و نوازنده تربیت کرده‌اند. آهنگ‌های خیلی قشنگ و لطیفی ساخته‌اند که متأسفانه شرایط اجرایشان سالهاست که فراهم نیست. همیشه سنگین و متین و مؤقر بوده‌اند و آبروی موسیقی هستند.

زندگیشان، نوازندگی شان، تدریس شان، رفتارشان با دوستان و همکاران و هنرمندان، همه سنجیده و پاکیزه و درسطح بالا . به خدا هر حرکتشان یک درس است برای درست زندگی کردن.

کسی نیست که ایشان را بشناسد و دوستانشان نداشته باشد؛ بویژه من که از ته قلمب دوستانشان داشته و دارم و برای شخصیت و هنرشان بسیار احترام قائلم.

#### برای بانوی پیانوی ایرانی



مژدا انصاری  
موسیقیدان و نوازنده پیانو

چه غم ار شمع فرو مرد که از «پرتو» عشق نور مهتاب ز خاکستر پروانه دمید استاد رهی معیری زمانی که از بزرگمرد پیانوی ایرانی استاد جواد معروفی و خدمات ارزشمندش به موسیقی ایرانی یاد می‌کنیم، بدون شک یکی از مهم‌ترین آنها تدریس و تعلیم شاگردانی است که تا امروز چراغ نوازندگی پیانوی ایرانی را روشن نگه داشته‌اند و بی‌اغراق یکی از برجسته‌ترین آنها خانم افلیا پرتو هستند.

عزیزانی که من را می‌شناسند خوب می‌دانند که اهل مبالغه نیستم و به اعتقاد من نزدیک‌ترین و صحیح‌ترین شیوه نوازندگی به استاد معروفی را خانم پرتو دارند. نگارنده که خود افتخار شاگردی استاد را داشته‌ام در بسیاری از موارد اجرای صحیح آثار استاد معروفی را از خانم پرتو شنیده و آموختم.

در اینجا لازم می‌دانم که خاطره‌ای را که به شخصه از استاد شنیدم عنوان کنم، روزی از ایشان سؤال کردم که در قطعه کاروان ساخته استاد محجوبی که شما تنظیم کردید و در گل‌های ۲۱۷ اجرا شد، زمانی که ارکستر را رهبری می‌کردید تکنوازی پیانوی چهار مضراب استاد صبا را چه کسی برعهده داشت؟ و گفتند: خانم پرتو. این نکته بهترین دلیل برای نزدیک بودن شیوه نوازندگی خانم پرتو است.

حقیقتا سخن گفتن در مورد خصوصیات اخلاقی این فرشته موسیقی ایران دشوار است، زیرا برای پیدا کردن واژه‌هایی مناسب این همه مهربانی باید ساعت‌ها در فرهنگ لغات جست‌وجو کرد. فقط به این نکته بسنده می‌کنم که محال است کسی جز نیکی و مهربانی از خانم پرتو در خاطر مطلب دیگری داشته باشد و من به‌عنوان یکی از شاگردان کوچک استاد معروفی به دوستی و هم شاگردی (با اختلاف چند دهه) با ایشان افتخار می‌کنم.

شعری که در ابتدای این مطلب از استاد رهی معیری آوردم بخشی از آهنگی است به‌عنوان «پرتوعشق» که بتازگی ساختم و آن را به خانم پرتو عزیز و گرمایی به مناسبت زادروزشان تقدیم و برایشان سلامتی و شادی آرزو می‌کنم.

#### هنر مند نغمه پرداز



نوشین عقیقی  
نوازنده دف

بانوی موسیقی، میلاد یلدیایات مبارک. از آن روزها که دخترکی زیبای ۱۰ ساله بال‌های فرشته‌ایش را برهم زد تا بر خیال موسیقی بشنیند. سال‌هایی به بلندای یلدا گذشته است اما عطر دل انگیز خاطرات زرین آن روزگار طلایی آنچنان ماندنی و تازه است که گویی هیچوقت نه خواهد رفت و نه خواهد مرد. نغمه‌پرداز در آستان زیبا آفرین خواب‌های طلایی رؤیاپردازی‌های نوا۱ هنرمندانه‌ات را تعبیری جاودانه بخشد.

خطبه‌خط سال‌های هنری آفتابی‌ات را خالقی‌ها و معروفی‌ها و وزیری‌ها نقش زده‌اند آنچنان که گویی روشانی گرمابخش روح نوازی هایت بی‌غروب خواهد بود.

یاد خاطره بانوی پروانه نازنینمان همواره مانا و جاودان که خاطره‌سازی هایمان در گروه یاران به همت والای شما و همدلی و همنفسی‌های عاشقانه‌مان از شادترین زیباترین و به یاد ماندنی‌ترین برگ‌های دفتر زندگی هنری و شخصی‌ام خواهد بود. خیال نغمه پردازات هماره بیدار و وجودت سلامت باد.

#### گفت‌وگوی میرعلیرضا میرعلینقی با افلیا پرتو

#### نوازنده پیانو و موسیقیدان

# پیدا و ناپیدا



افلیا پرتو ۸۱ ساله شد. او متولد یکم دی ماه سال ۱۳۱۷ است. افلیا از سن ۱۰ سالگی به هنرستان موسیقی ملی راه یافت و از محضر هنرمندانی همچون «ابوالحسن صبا»، «علیقن۱ وزیری»، «روح‌الله خالقی»، «حسین تهرانی»، «مهدی مفتاح» و «جواد معروفی» بهره برده است. همچنین سال‌ها نزد «جواد معروفی» پیانو ایرانی را فراگرفت و نخستین زن ایرانی است که «پیانو ایرانی» (اجرای موسیقی ملی ایران با پیانو) نواخته و آموزش داده‌است. او فارغ‌التحصیل کارشناسی موزیکولوژی از هنرستان عالی موسیقی ملی و کارشناسی ارشد مدیریت امور فرهنگی موسیقی از دانشگاه فارابی (دانشگاه هنر) می‌باشد. وی پس از پایان دوره کارشناسی‌اش در سال ۱۳۳۶ در اداره هنرهای زیبا در وزارت فرهنگ و هنر مشغول به کار شد. همچنین، تاهنگام بازنشستگی به تدریس موسیقی و نوازندگی پیانو پرداخت و سال‌ها در وزارت فرهنگ و هنر سابق سرپرست ارکستر بانوان بود. این ارکستر بزرگ سازهای ایرانی و غربی تشکیل می‌شد که موسیقی ایرانی می‌نواختند و خود او در این ارکستر پیانومی نواخت. افلیا پرتو در سال ۱۳۷۷ گروه موسیقی «یاران» را با خوانندگی «خاطره پروانه» تأسیس کرد و کنسرت‌های متعددی با این گروه برای بانوان به صحنه برد.

ما با حقوق معلمی استخدام می‌شدیم و با حقوق کارمندی زندگی می‌کردیم. اصل زندگی‌ها عشق به کار هنری بود، نه مادیات. وزارت فرهنگ و هنر به قول معروف صدار همان حقوق را دور سرش می‌چرخاند تا به کارمندانش بدهد؛ با این وصف ما دنبال زندگی لوکس نبودیم و به حد خیلی متوسط قانع بودیم. لیست‌های حقوقی را هنوز دارم و پیدا می‌کنم که ببینید.

■ **حالا رسیدیم به مقطع انقلاب و تغییر سیستم سیاسی و از هم پاشیدگی کار هنری و بویژه موسیقی. تأثیر این وضع ناگهانی در کار حرفه‌ای شما چه بود؟**

بالاخره تغییرات دیده می‌شد، ولی نقطه عطف برای ما روزی بود که آمدند و رسماً گفتند که ارکسترها تعطیل شدند و ما بیکار شدیم. تمرین‌ها و معاشرت‌ها و اجراها همه متوقف شدند. البته ما جزو فضایی نبودیم که موسیقی به اصطلاح مبتدل تولید می‌کردند، ولی به هر حال خشک و تر با هم می‌سوختند، تا وقتی که کمی تعادل برقرار شد و سعی کردیم موقعیت جدیدمان را برای خودمان در فضای زندگی و خانه‌مان بسازیم. تدریس برایم جدی‌تر شد و ادامه دادم. دوره سختی بود، گرچه هیچ دورهای آسان نبوده است. ■ **این سال‌های خانه نشینی گذشت تا سال ۱۳۷۸ که جشنواره «گل‌پایس» تأسیس شد و از شماعوت کردند، چطور شد که قبول کردید؟** آقای علی مرادخانی از من دعوت کردند، برای مراسم سال استاد جواد معروفی، اولین امیل پذیرفتم، ولی بعدها متقاعد شدم. به‌هر حال ترکیب ارکستر بانوان مثل قبل نبود و نمی‌توانست باشد. اعضای ارکسترعوض شدند. ولی خاتم خاطره پروانه عضو ثابت بودند. تجربه برنامه‌هایی که با این گروه جدید داشتم، تجربه نوع موسیقی تازه‌ای بود که در مجموع برایم لذت بخش بود و از آن راضی هستم.

■ **قاعدتاً امکان حضور آقایان در این برنامه‌ها نبوده است و نمی‌توانیم درباره آن نظری داشته باشیم. اما شنیده‌ام استقبال خانم‌ها بسیار زیاد بوده است. آیا از دف هم استفاده‌می‌کردید؟**

بله. نوازنده دف ما خانم نوشین عقیقی، هنرمندی توانا و شایسته بوده‌اند و با هم کار کرده‌ایم.

■ **شما خیلی پیش از اینکه به نظر می‌آید کار کرده‌اید. خیلی بیشتر دیده شده‌اید و متأسفانه کمتر شنیده شده‌اید. اهل موسیقی نمی‌دانند که شما چقدر اهل معنا هستید. حجم قابل توجهی کتاب خوانده‌اید و تا چه حد خوشتندار بوده‌اید. اینها فضایی است که در وجود شما هست و بیش از پیش محبوب‌تان می‌کند.**

خیر! از خیلی افراد بود همیشه گفته‌ام که من خودم را آهنگساز ندانسته‌ام و کارهای دیگران را بیشتر تنظیم کرده‌ام. خیلی افراد آهنگ‌هایشان را می‌دادند و برقرار بود، تلویزیون هم تأسیس شد و از ما که اولین فارغ‌التحصیلان هنرستان دوره آقای خالقی بودیم، خواستند برای برنامه‌های موسیقی سنگین در تلویزیون، اجرا بگذاریم. کار زیاد بود و من با ارکسترها و خوانندگان مختلفی کار کردم. برنامه‌ها متأسفانه ضبط نمی‌شدند و حتی یک دقیقه از آن اجراها را ندارم.

■ **از آقایان خواننده چه کسانی با شما کار می‌کردند؟**

آقایان: تورج کیارس، اسفندیار طهوری، نادر گلچین و احمد ابراهیمی. امتیاز کار ما به‌خاطر نوع جنسیت نبود و به‌خاطر شسته رفته بودن کار ما بود. همه می‌دانستند که با یک ارکستر حرفه‌ای سروکار دارند و این برخی آقایان را ناراحت می‌کرد.

■ **حامی این ارکستر؟**

اداره کل فعالیت‌های هنری. این ارگان می‌خواست که این ارکستر باشد. و گر نه افراد مغرض می‌خواستند این ارکستر نباشد. دیگری‌ها و اعصاب خردکنی‌ها زیاد بود ولی عشق به‌کار، ما را مقاوم می‌کرد.

■ **چرا از ارکستر بانوان صفحه‌ای پرسند؟**

برای اینکه دید اجتماعی به زنان، آن هم زن هنرمند، دیدگاه مطلوبی نبود. فضا مرد سالار بود و توقع شان از زن این بود که فقط در خانه بماند و خانه‌داری کند. استعداد و فرهیختگی و هنر زن را تحمل نمی‌کردند و تا جایی که می‌توانستند، مانع می‌تراشیدند. خانم‌های ارکستر این عقیده را داشتند که باید موسیقی را پاک و پاکیزه جلو ببرند و ذهنیت‌های غلط گذشته را باطل کنند. اما جامعه در مجموع همکاری نمی‌کرد. در وزارتخانه، رفتار و ظاهر خانم‌ها خیلی خوب کنترل می‌شد و از ما توقع داشتند تصویرشایسته‌ای و آبرومندی از زن هنرمند ایرانی ارائه کنیم. ولی در سایر ارگان جامعه این طور نبود.

■ **شما سهم تربیتی استاد خالقی را در ایجاد این ذهنیت برای زن هنرمند ایرانی در چه حدمی‌بینید؟**

این ذهنیت را اول ایشان ایجاد کردند. به ما می‌گفتند که ما، بانوی هنرمند پرورش می‌دهیم، نه چیزی که جامعه تا به‌حال شناخته و آن را خواسته است. هنرمند باید تجسم هنر و اخلاق باشد. پادم‌ست وقتی که ما دخترهای هنرستان کنسرت داشتیم، خانم خالقی با دقت ما را وارسی می‌کرد که مبدا مختصری خود آرایی کرده باشیم. جدیت و وقار مهم بود. این جدیت جزو ذات ما شد. هرچیز در سن مناسب خود و به‌جای خود. به هر حال ما این‌طوری بار آمدیم و زندگی کردیم.

■ **نظام پرداخت‌ها و امور مالی چطور بود؟**

راستش زندگی در آن موقع خیلی ساده‌تر بود و مردم قانع‌تر بودند. الان حجم پولی که در بعضی از قسمت‌های جامعه موسیقی کشور جابه‌جا می‌شود برای ما قابل تصور و قابل پذیرش نیست.

و موسیقی در مدارس تهران بودیم. بعداً اداره هنرهای زیبا گسترده‌تر شد و به وزارت فرهنگ و هنر (فرهنگ و ارشاد فعلی) منتقل شدیم. موسیقی رادیو که برقرار بود، تلویزیون هم تأسیس شد و برای اولین فارغ‌التحصیلان هنرستان دوره آقای خالقی بودیم، خواستند برای برنامه‌های موسیقی سنگین در تلویزیون، اجرا بگذاریم. کار زیاد بود و من با ارکسترها و خوانندگان مختلفی کار کردم. برنامه‌ها متأسفانه ضبط نمی‌شدند و حتی یک دقیقه از آن اجراها را ندارم.

با هنرمندان دوستی و مراوده داشتیم و نزدیک‌ترین دوست و همکارم، خانم خاطره پروانه بودند که بیش از ۴۰ سال را با هم زندگی کردیم. داغ خاطره عزیز هنوز برایم تازه است.

■ **شمارا به‌عنوان مدرس اولین ارکستر ویژه بانوان می‌شناسند و برای نسل من بیشتر شهرت شما در آن بخش بوده است. شما هم سرپرست بودید، هم تکنواز و هم نواز هم آهنگساز، اما نسل امروز درباره ارکستر بانوان چیزی نمی‌داند. لطفاً شما برامی‌باید.**

قبل از من، آقای احمد فروتن راد که استاد هنرستان بودند، ارکستری متشکل از خانم‌ها که برخی فارغ‌التحصیل بودند و برخی نبودند، تشکیل دادند. از بیرون کادر هنرستان هم دوسه نفر اضافه شده بودند و در مناسبت‌های مختلف اجرا داشتند. مدتی هم خانم سیمین آقارضی و خانم مهین زرین پنجه سرپرستی ارکستر را داشتند. مدتی هم آقای پورتراب بودند و بعد از ایشان به من پیشنهاد شد که سرپرستی کنم. گمانم سال ۱۳۴۸ بود.

تغییراتی در آن دادیم و نوازنده‌های بهتری آوردیم. ارکستر برنامه‌های موظف داشت و پروشوره‌هایش اگر باقی مانده باشند، اسناد این کارها هستند. ارکستر بانوان در دو زمینه کار می‌کرد: یکی با سازهای ملی و دیگری با سازهای غربی. بیشتر برنامه‌ها زنده بود و بعضی‌هم ضبط شدند. فیلم‌هایی که باقی‌مانده خیلی خوش کیفیت نیستند. سفر هم خیلی رفتم. از جمله به افغانستان، نزد محمد ظاهرشاه، اعضای ارکستر گاه‌عوض می‌شدند. از اعضای ثابت، خانم‌ها: وزیری، تبار، شکاور، صالح، بروجردی، میرخانی، مشیری، رهبری، کریمی، اطراخی، حاجی‌غلامحسین، پاشایی، حقیقی، افتاده، اسماعیلی و شاهسوندی بودند.

اکثر آقوی و حرفه‌ای ساز می‌زدند. شعرها را آقای ابراهیم صفایی و خانم لعبت والا بررسی می‌کردند. شورای بررسی هم اسنادانی چون پورتراب و رادمدر را داشتند، سال‌های پرکاری بود.

■ **در زمینه آهنگسازی چطور؟ آیا فقط از کارهای خودتان بود؟**

هنرستان بهترین‌های آن روزگار بودند، ابوالحسن صبا، حسینعلی وزیری‌تبار، حسین‌تهرانی، حسین صبا و خیلی‌های دیگر خانم خالقی هم در هنرستان سمت داشتند و سرپرستی امور آموزش دختران مثل خیاطی و... به‌عهده ایشان بود.

■ **درباره نقش استاد خالقی لطفاً بیشتر برایمان بفرمایید.**

استاد خالقی فقط مدیر هنرستان نبودند، بلکه حکم پدر و راهنمای اخلاقی را برای ما داشتند. واقعاً از جان مایه می‌گذاشتند و قصدشان از تأسیس هنرستان، نفع مادی و شهرت طلبی نبود. از خیلی امتیازهای اداری و مالی به‌خاطر عشق به هنرستان صرف‌نظر کرده بودند. از صبح زود تا غروب در هنرستان کار می‌کردند و همه چیز را زیر نظر داشتند. در رادیو هم مشغول بودند و آهنگسازی و عضویت در شوراها و تدریس هم می‌کردند. هرچند وقت یک‌بار ما را به گردش علمی و طبیعت‌گردی می‌بردند و تربیت اخلاقی و هنجرویان برایشان خیلی اهمیت داشت. هر از گاهی برای هنجرویان کنسرت هم می‌گذاشتند تا جامعه موسیقی بیشتر با ما آشنا شوند.

■ **تا جایی که می‌دانم شما در تمام این دوره تحصیلی تا وقتی که در مراسم فارغ‌التحصیلی هنجرویان دوره اول، از دست استاد علینقی وزیری دیپلم گرفتید، از شاگردان ممتاز و از شاگرد اول‌ها بوده‌اید.**

■ **شما را بیشتر به‌عنوان یک معلم ممتاز می‌شناسد و از سابقه کار حرفه‌ای شما خبر ندارد. لطفاً بگذارید از تدریس شروع کنیم.**

■ **تدریس را از کی شروع کردید؟** از همان سال‌های اواخر تحصیل و تا حالا هم ادامه می‌دهم. بیش از ۶۰ سال است که درس می‌دهم. عاشق این کار بودم، ولی کار حرفه‌ای‌ام در جنبه‌های مختلفی بود. در ارکسترهای رادیو همراه خوانندگان و ارکسترهایشان، همنوازی و تک نوازی می‌کردم. این‌ها از اواخر دهه ۱۳۳۰ است. از آن افراد، آقای امین‌الله رشیدی هنوز هستند که نام مرا می‌توانید در پروشور سی‌دی‌هایشان کنار نام نوازندگان دیگر ببینید. البته در آن زمان کمتر از تک‌تک اعضای ارکسترها نام می‌بردند. برای همین، خیلی از برنامه‌ها هست که در آنها ساز زده‌ام ولی خودم به یاد نمی‌آورم.

■ **بعد از فارغ‌التحصیلی از هنرستان چه می‌کردید؟**

ما بلافاصله بعد از فارغ‌التحصیلی، استخدام می‌شدیم. بیشتر در وزارت آموزش و پرورش (آن موقع وزارت فرهنگ) و بیشتر معلم بودیم. من، آقای هوشنگ ظریف و... معلم سرود



میرعلیرضا میرعلینقی  
پژوهشگر موسیقی

گفت‌وگو با شخصیتی مانند افلیا پرتو – البته اگر چنین شخصیتی، «مانند» ی هم داشته باشد – کاری سهل و ممتنع است. نزدیک ۵۰ سال است که سعادت آشنایی با خانواده ارجمندشان را داشته‌ام. اما، شناخت نسبی‌ام با موسیقی و آگاهی ایشان به ۳۳ سال سابقه کار من در عرصه مطبوعات و تاریخ موسیقی برمی‌گردد که، مسیر این گفت‌وگو را هموار کرد. گفت‌وگو، روان و آسان پیش رفت و نیازی به تلاش اضافی نبود، چرا که خانم پرتو بسیار خوش

سخنند و به همان لحن ساده و زیبایی که پیانو می‌نوازند، حرف‌های خود را بیان می‌کنند. اصل این گفت‌وگو بسیار مفصل‌تر است و در واقع برای کتابی ویژه چهاربانوی پیانیست ایرانی انجام شده است.

■ **می‌دانم که زیاد اهل گفت‌وگو نبوده‌اید و اهل موسیقی به‌همان اندازه که برای‌تان ارزش قائلند از شما زیاد نمی‌داند. خواهش می‌کنم باب صحبت را شما باز کنید.**

شما بیش از خیلی افراد، سابقه کار موسیقی مرا می‌دانید. در اینجا، همین قدر بگویم که محیط زندگی و کودکی من، خوشبختانه برای موسیقی مساعد بود، پدرم این هنر را دوست داشتند و خانواده استاد موسی خان معروفی از معاشران خانواده ما بودند. در کودکی، کنسرت‌های انجمن موسیقی را که شادروان استاد روح‌الله خالقی برگزار می‌کردند به اتفاق خانواده دیده‌ام. همین هنرمند عزیز، سرکار خانم طلیعه کامران را به‌یاد دارم که در آن برنامه‌ها سنسور می‌نواختند، ساز و آواز هنرمندان بزرگ در آن روزگار را از نزدیک می‌شنیدم. من در سال ۱۳۲۸ در هنرستان موسیقی ملی که استاد روح‌الله خالقی تأسیس کرده بودند، نام‌نویسی کردم، ساز من در ابتدا عود بود. مدتی هم ستار نواختم. بعد به پیانو علاقه‌پیدا کردم و استاد هم آقای جواد معروفی بودند؛ به سبک ایشان از اول علاقه داشتم و این علاقه هم همراه با من باقی مانده است. سعی کردم روش و شیوه ایشان را خوب یاد بگیرم و صحیح و درست آموزش بدهم. ما در هنرستان دروس عمومی مدارس را، غیر از یکی دو درس، طبق برنامه وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش بعدی) یاد می‌گرفتیم و برنامه موسیقی هم سر جای خودش بود. معلمان ما در